دو فصلنامه مشارکت و توسعه اجتماعی، دوره ٤، شماره ٦، بهار و تابستان ۱۳۹۷، صص۱-۳۱

بررسی تاثیر پایگاه اجتماعی – اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان در شهر اهواز

معصومه باقری[۱]
علی‌حسین حسین‌زاده [۲]
حسن شجاعی[۳]

چکیده

هدف مقاله حاضر، بررسی رابطه پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی برمشارکت سیاسی زنان شهر اهواز است که از دیدگاه‌های جامعه‌شناختی مربوط به مشارکت‌سیاسی استفاده شد. این پژوهش به صورت پیمایشی و ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل کلیه‌ی زنان ۱۸تا ٦٤ سال شهر اهواز، که حجم نمونه بر اساس فرمول کوکران ۳۸٤ نفر تعیین شد. از لحاظ زمانی این پژوهش در سال ۱۳۹٦-۱۳۹۵ اجرا شده است نتایج تحقیق نشان می دهد که متغیرهای مستقل پژوهش (درآمد فرد و والدین، تحصیلات فرد و والدین، شغل فرد و والدین، وضعیت مسکن و طبقه اجتماعی) با متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) رابطه معناداری دارند. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر نشان می‌دهد که بیشترین تأثیر را بر متغیر و ابسته متغیر طبقه اجتماعی و کمترین تأثیر را متغیر میزان تحصیلات فرد و والدین داشته است. در مجموع متغیر های مستقل پژوهش ۷/٤ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین کرده اند و ۹۲/٦ در صد از واریانس تبیین نشده متعلق به متغیر هایی است که در این پژوهش مورد استفاده قرار نگرفته اند.

کلمات کلیدی : *مشارکت سیاسی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی، خوزستان، اهواز، زنان*

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰٤/۱۱ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۲٦

[۱] دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز ، m.bagheri@Scu.ac.ir
[۲] دانشیار دانشگاه شهید چمران اهواز ، a. hosseinzadeh@scu.ac.ir
[۳] دانشجوی کارشناسی‌ارشد جامعه شناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، hasan.shojaie6677@gmail.com

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

مقدمه و بیان مسئله

در دهه های اخیر بسیاری از صاحب نظران، برنامه ریزان و متخصصان علوم اجتماعی به اتفاق از مشارکت به عنوان یکی از عناصر توسعه نام برده اند و مشارکت همه جانبه مردم را با توسعه یکی دانسته اند و کمتر برنامه ریزی ملی و بین المللی وجود دارد که یکی از پارمتر های مهم آن مشارکت مردمی نباشد. از این رو از دید گاه برکلی[1] مشارکت یک حق انسانی است که به لحاظ ارزشی، به آزاد سازی و اعتماد به خویشتن انسان و از نظر ابزاری، به بسیج و نقش آفرینی توده های انسانی در فرآیند های علمی حیات اجتماعی منجر می شود. مشارکت بخش جوهری و اساس رشد انسان است و آن توسعه خود اعتمادی، ابتکار، فعالیت، مسئولیت پذیری و تعاون اجتماعی است. بدون چنین توسعه و تحولی در درون مردم تلاش و اقدام برای امحاء فقرو توسعه نیافتگی اگر غیر ممکن نباشد حداقل مواجه با مشکلات عدیده ای خواهد بود (حسنی، ۱۳۸۳ : ١٤٤ ـ ١٤٣). از حیث تاریخی، مشارکت در ایران دارای سابقه دیرینه‌ای است به گونه‌ای که گفته شده در ایران باستان و در میان اقوام مختلف آریایی، مشارکت به صورت عشیره‌ای و محلی صورت می‌گرفته است، و در بین اقوام آریایی انتخابات وجود داشته و سالمندترین شخص به عنوان رییس عشیره انتخاب می‌شده است (غفاری ، ۱۳۹۲ : ٦٦ ـ ٦٥). مشارکت در دنیای جدید از دهه ۱۹۷۰ به بعد است،که در ادبیات توسعه در قالب رویکرد های مشارکتی مورد توجه واقع می شود. در این دوره مفهوم مشارکت به عنوان مولفه کلیدی رویکردهای جدید توسعه در ابعاد متنوع، چندگانه و در عین حال پویا و متحول و به عنوان فرآیندی عمیق و چند سویه در اشکال غایتی و ابزاری در فرآیند توسعه مورد بررسی و کاوش قرار می گیرد (غفاری و نیازی ، ١٣٨٦ : ١١). لزوم مشارکت مردمی از جمله مواردی است که در مراحل مختلف تکوین فرایند توسعه جوامع، مورد توجه جدی قرار گرفته و از این رو توجه به فعالیت های مشارکتی شهروندان امری راهبردی در این جهت، عنوان شده است (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۳۸)، نظریه پردازان کلاسیک و بسیاری از اندیشمندان معاصر بر اهمیت مشارکت شهروندان تأکید کرده اند (Kribis, 2013:226)، اهمیت مشارکت تا حدی است که در برنامه ریزی های استراتژیک ملی هم، توسعه مشارکت قانونمند مردم در فرآیند تصمیم گیری به عنوان راهبرد تلقی می شود (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۱ : ۳۸). همچنین به لحاظ موضوعی مشارکت را به گونه‌هایی چون مشارکت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، روانی و سیاسی تقسیم می‌نمایند، هرچند که تفکیک دقیق آنها به دلیل درهم تنیدگی، همپوشی و

1.Berkeley

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

مکمل یکدیگر واقع شدن چندان امکان پذیر نمی‌باشد لیکن در مقام شناخت و تحلیل می‌تواند سودمند باشد.(غفاری و نیازی، ۱۳۸٦: ۲٦).

مشارکت اقتصادی عبارت است از شرکت کم و بیش آشکار فرد در حیات اقتصادی و تقبل فعالانه، آگاهانه، آزادانه و مسئولانه مسئولیت‌های مختلف در حوزه اقتصادی (لهسایی‌زاده و همکاران، ۱۳۸٤: ۱۳٤). مشارکت اقتصادی بر تأثیرگذاری برپویش و شیوه تولید به لحاظ روابط حاکم براین پویش و وسایل مادی تولید برای رفع نیازهای مادی و افزایش تولید متمرکز است، که در قالب مداخله و درگیر شدن افراد در نظام تصمیم‌گیری مربوط به تخصیص منابع اقتصادی و مشارکت در سیاست توسعه اقتصادی نمود پیدا می‌کند. مشارکت اقتصادی به معنای حضور و همکاری آگاهانه اقشار مختلف در جهت تولید، پس‌انداز، سرمایه‌گذاری بیشتر و مطلوب‌تر، توزیع مناسب و عادلانه‌تر و مصرف بهینه از منابع طبیعی و کالاهای مورد نیاز زندگی و صرفه جویی در استفاده از منابع کمیاب زندگی است. از نمونه‌های مشارکت اقتصادی، سازمان‌های خودیاری می‌باشند، تشکیلاتی که در جهت تقویت توان اقتصادی اعضا با اتکا به کوشش‌ها و ابزار خود آنان عمل می‌کنند. در چنین سازمان‌هایی، مشارکت در تأمین سرمایه، نیروی کار، تصمیم گیری جمعی و استفاده از بازده و منافع حاصله مورد نظر است .(غفاری و نیازی، ۱۳۸٦: ۲۷ ـ ۲٦)

مشارکت اجتماعی در معنای وسیع در بر دارنده انواع کنش‌های فردی و گروهی به منظور دخالت در تعیین سرنوشت خود و جامعه و تأثیر نهادن بر فرآیندهای تصمیم گیری مربوط به امور عمومی است (شایگان، ۱۳۸۹ : ۹٦)، مشارکت اجتماعی، فرآیندی مبتنی بر خرد جمعی و رفتاری آگاهانه و داوطلبانه است که شرکت همه افراد ذی نفع را در همه ابعاد برنامه ریزی و تصمیم گیری، مدیریت، اجرا، ارزیابی و کنترل و تقسیم منافع و سود برای رسیدن به هدف در بر می‌گیرد. مشارکت اجتماعی مفهومی گسترده و با ابعاد وسیع است که متضمن انواع فعالیت‌های فردی یا اجتماعی تأثیرگذار بر تصمیم گیری‌ها و سیاست‌های دستگاه عمومی از سطح پایین (شهرداری، نظام آموزشی وغیره) تا سطوح بالاتر (دستگاه‌های عالی قانونگذاری اجرایی و قضایی) است. دامنه فعالیت این مجموعه‌های داوطلبانه بسیار وسیع و گسترده است که می‌تواند شامل اتحادیه‌های صنفی، بنگاه‌های اقتصادی و خصوصی، شرکت‌های تعاونی، گروه‌های هنری، مطبوعات، موسسه‌های خیریه و حتی اجتماعات محلی مشتمل بر ساکنین یک خیابان یا محل می‌شود. مشارکت اجتماعی دلالت بر گسترش روابط بین گروهی در قالب انجمن‌های داوطلبانه، باشگاه‌ها، اتحادیه‌ها و گروه‌هایی دارد که معمولا خصلتی محلی و غیر دولتی دارند. تعداد و گستردگی سازمان‌های محلی و غیر دولتی در یک جامعه، شاخص و بیانگر مشارکت اجتماعی در آن جامعه است. مشارکت اجتماعی یعنی شرکت

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

داوطلبانه، ارادی و آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل دهنده یک جامعه در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی و فرهنگی جامعه که موجب نظم اجتماعی پویا و توسعه همه جانبه آن می‌شود. (غفاری، ١٣٩٢: ٢٠).

مشارکت روانی مورد تأکید روان شناسان اجتماعی است و از موضوعات مبحث ترویج می‌باشد. وآن دلالت برنوعی درگیری ذهنی وعاطفی دارد، که زمینه ساز ابتکارات جمعی است. راجرز[5]و شومیکر[6]معتقدند که مشارکت یک درگیری ذهنی وعاطفی اشخاص درموقعیت‌های گروهی است که آنان را بر می‌انگیزد تابرای دستیابی به هدف‌های گروهی همدیگر را یاری دهند ودر مسئولیت کار شریک شوند. مشارکت روانی در قالب ایجاد تغییر ودگرگونی درذهنیتها و شکستن عقاید قالبی نامناسب و شرکت در عمل جمعی مشترک، گرایش و آمادگی روانی لازم را برای کنش جمعی فراهم می‌نماید (غفاری ونیازی، ١٣٨٦ : ٣١). در این نوع مشارکت، مردم در تولید فرهنگ و ارتقای آن در بین گروه‌ها دخالت می‌کنند. تقویت هنر مردمی، تسهیل و تعامل فرهنگی در جوامع چند فرهنگی و افزایش وفاق اجتماعی در جوامع چند قومی از عرصه‌های مهم مشارکت فرهنگی می‌باشد (سعیدی، ١٣٨٢: ١١)، مشارکت فرهنگی یعنی شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه افراد، گروه‌ها و سازمان‌های تشکیل دهنده یک جامعه در ابعاد گوناگون زندگی فرهنگی آن جامعه به منظور گسترش توسعه پایدار، متوازن و همه جانبه حیات فرهنگی است. شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه به این معناست، که حضور در عرصه مشارکت فرهنگی، حضوری فعالانه، باانگیزه، فارغ از الزامات و تعین‌های تحمیلی و مبتنی بر تصمیم گیری عاقلانه و آگاهانه و با اتکاء به شناخت برون دادها و تأثیرات مشارکت فرهنگی است. بنابراین مقید نمودن تعریف مشارکت فرهنگی به ویژگی‌های شرکت داوطلبانه، ارادی و آگاهانه، این نوع از فعالیت‌ها را از سایر فعالیت‌های معمولی و روزمره زندگی که ممکن است بنای آن بر پیروی کورکورانه از قیود، سنت‌ها و تعین‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و سنتی در اجتماعات شهری، روستایی و عشایری باشد متمایز می‌کند (غفاری و نیازی، ١٣٨٦: ٣١ ـ ٣٠).

مشارکت سیاسی نیز به عنوان یکی از مهم ترین ابعاد مشارکت، موضوعی است که طی چند دهه اخیر، از مهم ترین دغدغه ها و دلمشغولی های روشنفکران و محافل فکری و فرهنگی بوده است (امام جمعه زاده و همکاران، ١٣٩١ : ٣٨).به طور کلی، مشارکت سیاسی پدیده ای پیچیده با ابعاد متعدد است که ارتباط میان جوامع مدنی و جامعه سیاسی را عملی می کند (شهرام نیا و همکاران،

5. .Rojers

6. .Shomeker

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

۱۳۹٦: ۲۰)، از این واژه تعاریفی گوناگون به عمل آمده است(Altunsu sonmez, 2013:404)، که به لحاظ تفاوت در مصداق و حیطه عمل ، نشان دهنده عدم توافق بر سر یک تعریف جامع بوده و بیانگر عدم اجماع در شاخص ها و مولفه های این پدیده است. پژوهشگر سوئدی پیترسون، مشارکت سیاسی را به عنوان تلاش هایی که باهدف تأثیر گذاری بر جامعه صورت می گیرد، تعریف می کند (مجدی نسب ، ۱۳۹٤ : ۵۳). هانتینگتون[۷]و نلسون[۸]مشارکت سیاسی را هرگونه فعالیتی که توسط شهروندان برای تأثیرگذاری بر تصمیم گیری های دولت انجام می گیرند، درنظر می گیرند. وینر[۹] نیز مشارکت سیاسی را هر نوع اقدام داوطلبانه، موفق یا ناموفق، سازمان یافته یا غیر سازمان یافته برای تأثیر بر انتخاب سیاست های عمومی، مدیریت امور عمومی و یا انتخاب رهبران سیاسی در سطح ملی و محلی می داند (Shojaei and el, 2010:42) وربای و نای نیز مشارکت سیاسی را فعالیت هایی می دانند که شهروندان به طور مستقیم یا غیر مستقیم با هدف تأثیرگذاری بر انتخاب اعضای دولت اعمال می کنند (Karklins , 2001:334). امروزه بحث در باره نقش مشارکت سیاسی در توسعه کشور ها، و به خصوص نقش مشارکت سیاسی زنان در این مورد، توجه اندیشمندان و سیاست مداران را به خود جلب کرده است. بدین لحاظ تمام جوامع سعی برآن دارند که برای بهبود مشارکت سیاسی زنان اقدامات لازم را فراهم آورند و موانع موجود بر سر راه مشارکت سیاسی آنان را در تمام سطوح کاهش دهند. ایران یکی از کشور های در حال توسعه به شمار می رود که برای رسیدن به توسعه سیاسی خود باید زمینه های مشارکت سیاسی شهروندان خود به ویژه زنان را بیش از پیش بهبود بخشد و موانع پیش روی آنها را رفع نماید. زیرا زنان یکی از نیرو های اجتماعی تأثیرگذار در نظام اجتماعی و سیاسی جوامع هستند، و چگونگی مشارکت سیاسی آنها در توسعه سیاسی کشور ها مهم و اثرگذار می باشد (پناهی و بنی فاطمه، ۱۳۹٤: ۳٦)، بنابراین، مشارکت سیاسی زنان در جمهوری اسلامی ایران یکی از محور های قابل بحث در تعاملات اجتماعی است. همانطور که تعمیق مشارکت در تمام سطوح جامعه یکی از شاخص های توسعه می باشد، حق مشارکت سیاسی نیز در راستای این مفهوم قابل توجه است. اگر مشارکت را در قالب دو سر کمینه و بیشینه مجسم کنیم، که نقطه کمینه آن از هر نوع مداخله غیر هدفمند و بیشینه آن از حضور آگاهانه و موثر برخوردار باشد؛ مشارکت سیاسی زنان در سر طیف بیشینه قرار می گیرد که باید به عنوان یک نیاز اجتماعی مورد توجه قرار گیرد. نیازی که با توجه به

7. .Huntington
8. .Nelson
9..Viner

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

درخواست های متعدد و مداوم زنان جهت حضور در بخش های مختلف سیاسی قابل مشاهده است. نرخ های بالای مشارکت در حوزه رأی دادن و افزون شدن درصد ورودی دختران نسبت به پسران به دانشگاه ها و مراکز آموزش عالی به همراه حضور موثر آنان در عرصه های گوناگون اجتماعی بیانگر مجموعه ای از توانایی ها و احساس نیازاست، که برخی رویکرد های اجتماعی ـ سیاسی و فرهنگی موانعی را در قالب سازمانی و فردی در پیش روی آنها ایجاد کرده است (نژاد بهرام ، ١٣٨٨ : ١٨ـ١٧). بنابراین مشارکت سیاسی زنان به عنوان نیمی از جمعیت جهان، باعث پیشبرد توسعه سیاسی و بهبود کیفیت زندگی زنان می شود (Kribis, 2013:3)، زنان هر جامعه، نیروی محوری و بنیادی محسوب می‌شوند که اشتغال و فعالیت آنها دوشادوش مردان به عنوان بخشی از جمعیت فعال جامعه، تأثیر فراوانی در رشد، توسعه و سازندگی جامعه دارد، ولی هنگامی که حضور زنان در فرآیند مشارکت سیاسی به گونه‌ای است که همانند رأی دهندگان سربه راه، تنها در روز رأی گیری پای صندوق‌ها حضور پیدا می‌کنند، این امر سبب ایجاد یک بحران یا آسیب اجتماعی در جامعه می‌گردد. و اگرچه زنان ایران، نقش فعال و سازنده‌ای در شکل گیری و نهادینه شدن روند انقلاب اسلامی داشته اند، ولی آنچنان که شایسته است، از سهم متناسب در ساخت قدرت سیاسی برخوردار نشده‌اند و در مواضع و تصمیم‌گیری‌ها و مناصب قدرت حضوری کمرنگ دارند (گلابی و حاجیلو، ١٣٩١:١٧٤)، عوامل گوناگونی مانند سن، عوامل منطقه ای، شهری یا روستایی، مذهب، قومیت، نژاد، تحرک اجتماعی در مشارکت سیاسی (زنان) تأثیر دارند (صبوری کاشانی، ١٣٨١: ١٤٨ـ١٤١). یکی دیگر از عوامل موثر بر مشارکت سیاسی، پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی می باشد (راش، ١٣٩٠)، میلبراث و گوئل به این نکته اشاره کرده اند که افراد با پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی پایین تر نرخ مشارکت سیاسی پایین تری داشته و یافته های مطالعات متعدد نشان داده است که افراد متعلق به طبقات بالا به دلیل این که دارای فرصت های مشارکتی گسترده تری هستند احتمال بیشتری دارد که در سیاست مشارکت کنند. آنان همچنین بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی کشور های مختلف سطوح متفاوتی از همبستگی را یافته اند (زاهدی و بیرانوند، ١٣٨٩: ٤٢ـ٤٧). بنا بر این با توجه به اهمیتی که مشارکت سیاسی زنان در عملکردهای نظام سیاسی هر کشور دارد و از سویی دیگر، نقشی که پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی می‌تواند در مشارکت سیاسی زنان داشته باشد، لزوم پژوهش بیشتر اجتناب ناپذیر است لذا این پژوهش درصدد دستیابی به میزان مشارکت سیاسی زنان و رابطه‌ی آن با پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی در جامعه‌ی مورد مطالعه می‌باشد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

اهداف پژوهش

هدف کلی پژوهش بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان می‌باشد، که مورد مطالعه زنان ۱۸ تا ٦٤ سال شهر اهواز می‌باشد.

اهداف فرعی

ـ بررسی تحصیلات فرد و والدین و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی
ـ بررسی شغل فرد و والدین والدین و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی
ـ بررسی درامد فرد و خانواده و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی
ـ بررسی وضعیت مسکن و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی
ـ بررسی طبقه اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی

پیشینه پژوهش

باور (۱۳۷٤) درپژوهشی باعنوان، بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی دانشجویان دانشگاه یراز بر نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (باور،۱۳۷٤)

بستانی (۱۳۸۲) درپژوهشی باعنوان، بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آنان و ارائه راهکار های سیاستگذاری جهت تقویت این مشارکت، این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (بستانی، ۱۳۸۲).

زاهدی و بیرانوند (۱۳۸۹) درپژوهشی باعنوان، پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی (مطالعه موردی : شهرخرم آباد) این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (زاهدی و بیرانوند، ٤٤:۱۳۸۹)

اصبغی (۱۳۸۹) درپژوهشی باعنوان، بررسی نقش پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی رأی دهندگان در انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران (مطالعه موردی : شهرستان دشتستان) این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (اصبغی، ۱۳۸۹)

افشاری (۱۳۸۹) درپژوهشی باعنوان،تأثیر پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی بر مشارکت سیاسی (مطالعه موردی : شهرستان دشتستان) این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (افشاری ، ۱۳۸۹)

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

حسین پناهی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان، شناسایی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی ـ اجتماعی زنان در استان گلستان؛ مطالعه موردی شهرستان گنبد کاووس، که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده است که، بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (حسین پناهی، ۱۳۹۰).

عزیزی (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان، بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی افراد بالای ۲۰ سال شهرستان بهبهان، که با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده است که پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی، رابطه معناداری با مشارکت سیاسی کل دارد (عزیزی، ۱۳۹۰)

نلسون (1979) درپژوهشی باعنوان، قومیت ، پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی، این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد دارد (Nelson, 1979: 1024).

بیگلی (1989) درپژوهشی باعنوان، طبقه اجتماعی و مشارکت سیاسی، به بررسی رابطه پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی پرداخته و مشارکت سیاسی را به شش گروه شناختی، بیانی، سازمانی، انتخاباتی، حزبی و دولتی تقسیم کرده است و به این نتیجه رسیده است که بین افراد با طبقه اجتماعی بالاتر از میزان مشارکت سیاسی بالاتری در این شش گروه برخوردارند.(1989: 496 (Beeghley

واس (۲۰۰۵) درپژوهشی باعنوان، بررسی تاثیر نسل و جامعه پذیری در مشارکت سیاسی درکشور فنلاند، که به روش توصیفی ـ تحلیلی صورت پذیرفته و برای جمع آوری دادهها از روش کتابخانهای استفاده کرده است، به این نتیجه رسیده است که بین جنسیت، پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (was, 2005: 1).

تام چو و همکاران (۲۰۰٦) درپژوهشی باعنوان، نقش پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی در مشارکت سیاسی ، این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد دارد (Tam Cho and el, 2006: 977).

کو سامسو[10] و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی با عنوان، بررسی رابطه بین موانع مالی و مشارکت سیاسی زنان در ایران، که به روش توصیفی ـ تحلیلی صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیدهاند

10. Ku Samsu

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

که، که ناکافی بودن منابع مالی (شغل و درآمد) به عنوان موانع ساختاری با مشارکت سیاسی زنان در ایران رابطه معناداری وجود دارد(Ku samsu and el, 2010:41).

لوسیندیالو[11] و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهشی باعنوان، برخی موانع مشارکت زنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی در تانزانیا ، که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده‌اند که، عواملی همچون، سطح تحصیلات، محل اقامت، پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی، مذهب، ناحیه زندگی، و گروه سنی با مشارکت پایین زنان در فعالیت‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی رابطه معناداری دارد (Losindialo and el, 2010: 1).

صالح نهار[12] و ابو حمیدام[13] (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان، عوامل تأثیرگذار برمشارکت سیاسی زنان در انتخابات پارلمانی اردن که به روش توصیفی ـ تحلیلی صورت پذیرفته است و برای جمع آوری داده‌ها از تکنیک کتابخانه‌ای استفاده شده است به این نتیجه رسیده‌اند که، وضعیت مشارکت سیاسی زنان در انتخابات پارلمانی اردن در سطح خیلی پایینی می‌باشد (Saleh nahar 2013: 84 and Abu hamaidam,).

شکور[14] و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان، ارزیابی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی زنان مطالعه موردی شهر جهرم ، که به روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده‌اند که بین متغیرهای سطح تحصیلات، نوع شغل و طبقه اجتماعی زنان با مشارکت سیاسی آنها رابطه معناداری وجود دارد (Shakoor and el, 2013: 23).

الحاجی علی[15] (۲۰۱٤) در پژوهشی با عنوان، ارزیابی عوامل موثر بر مشارکت زنان در اتحادیه‌های کارگری در کشور نیجریه، که به روش توصیفی ـ تحلیلی صورت پذیرفته است به این نتیجه رسیده‌اند که نابرابری جنسیتی تبدیل به یک پدیده جهانی شده است، به ویژه در کشورهای جهان سومی همانند نیجریه و این نابرابری جنسیتی تمام سطوح اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و حتی فکری را هم تحت تأثیر قرار داده است .و اینکه تحصیلات مشارکت زنان در اتحادیه رابطه مستقیم و معناداری دارد و با افزایش تحصیلات زنان، مشارکت زنان در این اتحادیه‌ها افزایش پیدا می‌کند (Al haji Ali, 2014:220).

11. Losindialo
12. Saleh Nahar
13. Abu Hamidam
14. Shakoor
15. Al Haji Ali

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

زنگ (۲۰۱٤) در پژوهشی با عنوان، بررسی مشارکت سیاسی زنان در چین، که به روش توصیفی ـ تحلیلی صورت پذیرفته و برای جمع آوری داده‌ها از روش اسنادی و کتابخانه‌ای استفاده شده است به این نتیجه رسیده است که، زنان چین اگرچه نقش بسیار مهمی در بسیاری از جنبه‌های فعالیت‌های اجتماعی ـ اقتصادی دارند با این وجود در دهه‌های اخیر از لحاظ مشارکت سیاسی رشد قابل توجهی نکرده‌اند و به نظر می‌رسد تا زمانی که زنان در رأس هرم قدرت سیاسی جایگاه مناسبی برای خود بدست نیاورند، بهبودی در مشارکت سیاسی زنان در چین احساس نخواهیم کرد (Zeng, 2014: 135).

کروز و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان، نابرابری در سیاست، طبقه اجتماعی و مشارکت سیاسی، که به روش توصیفی ـ تحلیلی صورت پذیرفته است، به این نتیجه رسیده‌اند که بین طبقه اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد (Kraus and el, 2015: 1).

مشتاق و همکاران (2018) درپژوهشی باعنوان، مشارکت سیاسی و تحصیلات در پاکستان، این نتیجه رسیده است که بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد دارد (Mushtaq and el, 2018: 25).

مبانی نظری

به نظر هانتینگتون، افراد در جوامع ثروتمندتر، صنعتی‌تر، شهری شده‌تر، و پیچیده‌تر نسبت به افرادی که در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی کمتر توسعه‌یافته‌تر، کشاورزی، روستایی و ابتدایی‌تر زندگی می‌کنند، بیشتر در سیاست دخالت می‌کنند . افزایش در نوسازی اقتصادی ـ اجتماعی و گسترش مشارکت سیاسی به نظر در مراحل مختلفی از تاریخ موجود بوده است. هر چه سطح توسعه اقتصادی ـ اجتماعی در جامعه بالاتر باشد، سطح مشارکت سیاسی در آن جامعه بالاتر است و احتمالاً نسبت مشارکت اختیاری به مشارکت بسیج شده نیز بالاتر است (فیروز جائیان و جهانگیری ، ۱۳۸۷ : ۹۲ ـ ۹۱). هانتینگتون معتقد است که توسعه و مشارکت نیازمند شکل گیری انسان نوگرا می‌باشد. از نظر وی انسان سنتی، همیشه توقع ساکن بودن، عدم تغییر در طبیعت و جامعه را دارد، ولی انسان نوین با نگرش‌ها و طرز تلقی‌های مختلفی روبروست. او امکان هر تغییر و دگرگونی را قبول دارد و خود را با آنها وفق می‌دهد. هانتینگتون همچنین رابطه متغیرهای همبستگی گروهی، سطح تحصیلات، سن و میزان مشارکت در انواع انجمن‌های داوطلبانه و مشارکت را مورد بررسی قرار داده است (غفاری و نیازی ، ۱۳۸٦ : ۵۵). به اعتقاد هانتینگتون و نلسون، مشارکت سیاسی تابعی از فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی است(مسعود نیا و همکاران ، ۱۳۹۱ :۱۰۷)، وفرآیند

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

توسعه اجتماعی و اقتصادی از دو طریق می‌تواند به گسترش مشارکت اجتماعی و سیاسی بینجامد. یک طریق آن از مجرای تحرک اجتماعی است، بدین صورت کسب منزلت‌های اجتماعی بالاتر، به نوبه خود در فرد احساس توانمندی و نگرش‌های معطوف به توانایی تأثیر گذاردن در تصمیم‌گیری-های دستگاه‌های اجتماعی و عمومی را ایجاد می‌کند و این عوامل ذهنی در مجموع می‌تواند مشوق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی یا امور سیاسی باشد. در این حالت منزلت اجتماعی بالاتر و احساس توانایی و موثر بودن از نظر اجتماعی و سیاسی، به عنوان متغیرهای میانی، مشوق مشارکت-های اجتماعی و سیاسی به حساب می‌آید. از نظر آنان از میان متغیرهای منزلتی، سطح تحصیلات فرد بیشترین تأثیر را بر مشارکت اجتماعی و سیاسی فرد دارد (غفاری و نیازی ، ۱۳۸٦ : ۵۵)، طریق دوم مجراهای سازمانی، یعنی عضویت و مشارکت فعال در انواع گروه‌ها و سازمان‌های اجتماعی است که احتمال مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی و سیاسی را بیشتر می کند. این عوامل در جوامعی که فرصت‌های تحرک فردی در آن ها محدودتر است، اهمیت بیشتری دارد زیرا همانطور که گفته شد فرد برای رسیدن به وضع اجتماعی و اقتصادی بهتر به عنوان آخرین راه حل به فعالیت در سازمان های اجتماعی یا احزاب سیاسی می‌پردازد، اما به طور کلی دخالت در فعالیت سازمان‌ها در تبیین تفاوت سطوح مشارکت سیاسی، از منزلت اجتماعی ـ اقتصادی مهم‌تر است(غفاری هشجین و همکاران ، ۱۳۸۹ : ۲۱۰).

در زمینه مشارکت سیاسی، مطالعات سیمور مارتین لیپست، از جمله تحقیقاتی است که دست آوردهای مهمی برای رشد و توسعه جامعه شناسی سیاسی به همراه داشته است. محور مطالعات وی، عمدتا پژوهش‌های میدانی راجع به رأی گیری و مبارزات انتخاباتی است و برای تبیین مشارکت سیاسی، بر متغیرهای اجتماعی نظیر پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی تأکید دارد. لیپست معتقد است که بین مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی و اقتصادی رابطه‌ای قوی وجود دارد و در اکثر مطالعات خود، رابطه‌ای مثبت بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی را نشان داده است (عالی‌زاد، ۱۳۷۳ : ۱۲۳)، لیپست در مدل خود می‌کوشد براساس متغیرهای اجتماعی پدیده مشارکت یا عدم مشارکت گروه‌های مختلف را در پویش‌های اجتماعی تبیین کند. مدل لیپست برآن است که پدیده شرکت یا عدم شرکت اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی را براساس چندین عامل کلی اجتماعی در فرآیندهای سیاسی واجتماعی نظیر انتخابات، انجمن ها، سندیکاهای کارگری، شوراهای محلی و نظایر آن را تبیین کند (غفاری و نیازی ، ۱۳۸٦ : ۵۳)، وی در کتاب خود « انسان سیاسی » به بررسی برخی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی می‌پردازد. وی با تبیین الگوی شرکت در انتخابات میان کشورهای مختلفی چون (آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند) این الگو را

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

در کشورهای مذکور کم و بیش یکسان می‌بیند، به این معنا که معتقد است در کلیه این کشورها میزان مشارکت در میان مردان بیشتر از زنان است، تحصیلکرد ها بیشتر از کمتر تحصیلکردها، شهرنشینان بیشتر از روستاییان، افراد بین ۳۵ تا ۵۵ سال بیشتر از جوان‌ترها و مسن‌ترها، متأهلین بیشتر از مجردین، افراد با پایگاه‌های طبقاتی بالاتر بیشتر از افراد با پایگاه‌های طبقاتی پایین‌تر و افرادی که دارای عضویت سازمانی هستند از افرادی که عضویت سازمانی ندارند بیشتر در انتخابات شرکت می کنند (Lipset, 1960: 182).

به نظر میلبراث و گوئل اندیشمندان علوم سیاسی، سلسله مراتبی از مشارکت سیاسی در جوامع مختلف را مطرح کرده اند (Hvrd Ross,2008: 8)، و خود نیز در کتاب مشارکت سیاسی، سلسله مراتبی از مشارکت سیاسی را مطرح کرده‌اند که شامل (رای دادن، اندکی علاقه به سیاست، مشارکت در بحث‌های سیاسی، تحت تأثیر یک سازمان شبه سیاسی بودن، تحت تأثیر یک سازمان سیاسی بودن، کمک مالی به یک حزب ، عضویت فعال در یک سازمان شبه سیاسی، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، جستجوی مقام سیاسی و اداری، داشتن مقام سیاسی یا اداری) می‌شوند (Ruedin, 2011: 5). میلبراث، بر دومجموعه از عوامل مرتبط با مشارکت فردی در امور سیاسی تأکید می‌کند : وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی و مرکزیت اجتماعی. در هر دو مجموعه، مشارکت چونان امری عقلانی و درآغاز معطوف به هدف نشان داده شده است. افرادی که سیاست‌ها و برنامه‌های حکومت را هماهنگ با علایق و منافع خود می‌دانند، و همچنین معتقدند که اعمال خودشان، به طور انفرادی یا جمعی، می‌تواند بر تصمیمات حکومت اثر بگذارد، تلاش خواهند کرد چنین اثری بگذارند، مگر اینکه ویژگی‌های ساختاری نظام سیاسی مانع آنها بشود (مجدی نسب، ۱۳۹٤: ۷۸ـ ۷۷)، براساس توضیحات میلبراث، شواهد و مدارک نشان می‌دهد که مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی و زمینه‌ای که در آن مشارکت سیاسی صورت می‌گیرد، متفاوت است. براساس شواهد و مدارک، احتمال مشارکت سیاسی افرادی که در معرض تعدد ویژگی‌ها یا فشارهای تقویت شده قرار دارند در مقایسه با افرادی که در معرض فشارهای دوسویه هستند، بیشتر است. به عقیده میلبراث، وضعیت اجتماعی ـ اقتصادی تنها جنبه مادی ندارد، بلکه ناشی از یک احساس است، احساسی که برخی را برتر از برخی دیگر بدانیم و این وضعیت در همه جوامع وجود دارد، تنها تفاوت آن است که معیار سنجش در جوامع مختلف، متفاوت است. بنابراین نمی‌توان معیاری یکسان برای همه جوامع ارائه دادو برای مطالعه موردی به دنبال عاملی بود که برای جامعه‌ای خاص ارزش محسوب شود (آل غفور و کاشف الغطاء، ۱۳۸۸:

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

۱۵۲)، بنابراین وضعیت اجتماعی ـ اقتصادی بالاتر،خودراهی به سوی سیاست می‌باشد، و رابطه‌ای مثبت بامشارکت سیاسی دارد. مرکزیت اجتماعی، راه دوم شمرده می‌شود. افرادی که مدت زمان طولانی مقیم یک جامعه هستند، دارای به طور کلی اموال و املاکی بوده، عضو سازمان‌های گوناگون می‌باشند، نه آنچنان پیر و نه بسیار جوان هستند، عضویت گروه‌های اقلیت را ندارند ـ به این معنی که کلا با آن جامعه آمیخته و هماهنگ شده‌اند ـ به احتمال فراوان از لحاظ سیاسی فعال خواهند بود. میلبراث، با مطالعه‌هایی متنوع که در کشورهای گوناگون انجام داده بود به این نتیجه رسید، که میان سن و مشارکت سیاسی رابطه وجود دارد. مشارکت سیاسی به طور تدریجی با سن افزایش پیدا می‌کند و در چهل سالگی و پنجاه سالگی به اوج خودش می‌رسد و در شصت سالگی به بعدکاهش پیدا می‌کند. به طور کلی نظر میلبراث و گوئل در مورد مشارکت در سیاست در جدول زیر خلاصه شده است:

جدول شماره ۱: نظر میلبراث و گوئل در مورد مشارکت سیاسی

میزان مشارکت بیشتر	میزان مشارکت کمتر
تحصیلات بیشتر به ویژه آموزش عالی	تحصیلات کمتر، به ویژه فقط تحصیلات متوسطه یا ابتدایی
طبقه متوسط	طبقه کارگر یا طبقه پایین
مردان	زنان
متأهل	مجرد
ساکنان شهری	ساکنان روستایی
اقامت طولانی در جامعه	اقامت کوتاه تر در جامعه
مشارکت اجتماعی و عضویت	مشارکت اجتماعی کمتر در گروه‌ها یا عضویت در گروه همستیز
سفید پوست	غیر سفید پوست
اکثریت قومی	اقلیت قومی

(مجدی نسب، ۱۳۹٤ : ۷۹ ـ ۷۸)

آلموند و پاول، ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان در خصوص اثرات پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیان می‌دارند (غفاری و نیازی، ۱۳۸٦ : ٦۷ ـ۵۲)، که شهروندان تحصیلکرده، ثروتمند و بهره مند از مهارت‌های حرفه‌ای بالاتر، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. منابع و مهارت‌هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

ضرورت حکم کند، می‌تواند این شهروندان را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند (نوروزی و بختیاری، ۱۳۸۸ : ۲۵۳)

وربا و نای، مشارکت سیاسی را به فعالیت‌هایی اطلاق می‌کنند که به وسیله شهروندان صورت می‌گیرد و هدفشان تأثیر گذاشتن بر دولت است، یا به وسیله انتخاب کارکنان دولت تأثیر خود را می‌گذارند، یا به وسیله انتخاباتی که کارکنان دولت را مشخص می‌کند (مجدی نسب، ۱۳۹٤: ٥٤)، همچنین وربا و نای در مدلی که طراحی کرده اند، کنشگران را از نظر مشارکت سیاسی در شش دسته طبقه بندی می‌کنند،۱.افراد کاملا منفعل،۲. افرادی که تنها فعالیت سیاسی آنها رأی دادن است،۳. کوته بینان که تنها به مسائلی توجه دارند که از جنبه شخصی برایشان مهم باشد، ٤. فعالان محلی، کسانی که فعالیت سیاسی شان تنها به سیاست‌ها و مسائل محلی محدود می‌شود،٥. مبارزان، که تنها در رابطه با مسائل خاصی که برای آنها مبارزه می‌کردند در سیاست در گیرند، ٦. افراد کاملا فعال که در تمام زمینه‌های سیاست درگیر می‌شوند (صبوری کاشانی، ۱۳۸۱: ۱٤۱ـ ۱٤۰). وربای و نای معتقدند که شهروندان مرفه تر، تحصیل کرده تر و برخوردار از پایگاه اجتماعی بالاتر دارای مشارکت بیشتری بوده(غفاری و نیازی، ۱۳۸٦: ٦۹)، پس پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد با مشارکت سیاسی آنان رابطه دارد (Nie et al, 1969; Verba, 2003; Hafner fink, 2012: 545). برادول عواملی چون محل سکونت، سن، تحصیلات، درآمد، نژاد، قومیت و دین را بر میزان مشارکت متأثر می‌داند، و بر مبنای نتایج تحقیقات خود، در پاسخ به این سوال که چرا مردم در امور سیاسی مشارکت می‌کنند، نقش عواملی چون منافع شخصی، نیازهای روانشناختی و اهداف شخصی را نام می‌برد. او دلایل عدم مشارکت مردم را نیز محدودیت‌های قانونی، تضاد در زندگی شخصی، تهدید روانشناختی و فقدان مهارت در انجام فعالیت‌های سیاسی می‌داند. از نظر برادول چون بخشی از آمریکایی‌ها از شرایط خوب زندگی برخوردار هستند، لذا خواهان تغییر آن نیستند، و به همین دلیل، ضرورتی برای مشارکت در امور سیاسی نمی‌بینند. علاوه بر این تحقیقات وی نشان می‌دهد که اعتماد آمریکایی‌ها به نظام سیاسی شان پایین است و این نیز باعث کاهش مشارکت مردم می‌شود. علاوه بر این موارد، ناامیدی و دلسرد بودن از نتایج انتخابات، عدم رقابت کاندیداها و نبود کاندیدای رقیب، از عواملی است که بر مشارکت افراد در امور سیاسی و بویژه در انتخابات تأثیر گذار است (مسعود نیا و همکاران، ۱۳۹۱ : ۱۰۸).

مایکل راش مشارکت سیاسی را درگیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی می‌داند (غلامی، ۱۳۹۱: ۳۸)، و مدلی ارائه می‌دهد که به نظر وی همه انواع و طیف‌های مشارکت سیاسی را در بر می‌گیرد. این رتبه بندی از بالا به پایین به ترتیب شامل، داشتن مقام سیاسی یا

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

اجرایی، جست و جوی مقامات سیاسی یا اجرایی، عضویت فعال در یک سازمان سیاسی، عضویت فعال در سازمان شبه سیاسی، مشارکت در اجتماعات عمومی، تظاهرات و غیره، عضویت انفعالی در یک سازمان سیاسی، عضویت انفعالی در یک سازمان شبه سیاسی، مشارکت در بحث‌های سیاسی غیر رسمی، اندکی علاقه به سیاست، رأی دادن و درگیر نشدن در سیاست می‌باشد (علی حسینی و همکاران، ۱۳۹۳: ١٦٥). به نظر مایکل راش مدارک و شواهد فراوان و گسترده‌ای وجود دارد که بین مشارکت سیاسی در تمام سطوح بر طبق پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی، تحصیلات، شغل، جنسیت، سن، مذهب، قومیت، ناحیه و محل سکونت، شخصیت و محیط سیاسی که در آن مشارکت صورت می‌گیرد رابطه وجود دارد (راش، ۱۳۹۰ : ۱۳۱).

فرضیه های پژوهش

ـ به نظر می رسد بین تحصیلات فرد و والدین و میزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

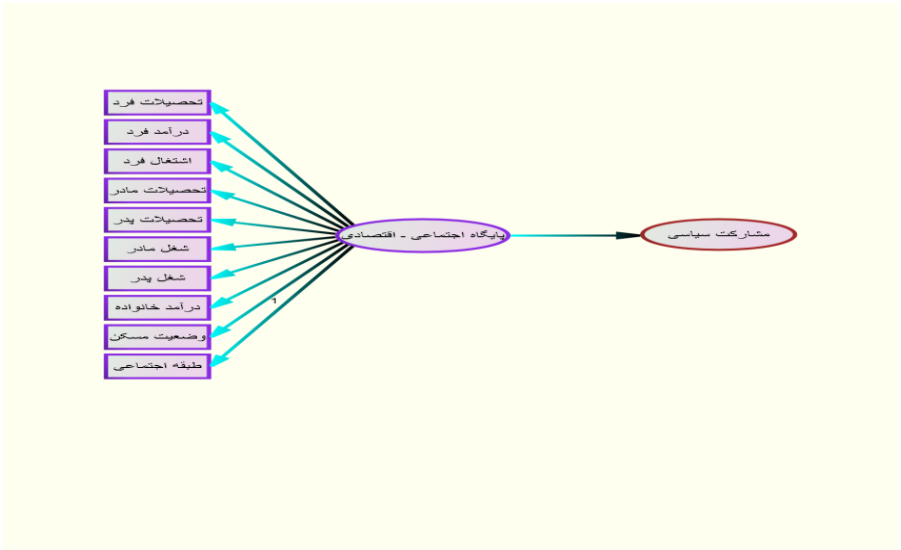
ـ به نظر می رسد بین اشتغال فرد و والدین ومیزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

ـ به نظر می رسد بین درآمد فرد و خانواده ومیزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

ـ به نظر می رسد میان مشارکت سیاسی پاسخگویان بر حسب وضعیت سکونت تفاوت معناداری وجود دارد.

ـ به نظر می رسد بین طبقه اجتماعی ومیزان مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

مدل مفهومی پژوهش



شکل شماره ۱: مدل مفهومی پژوهش

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

روش شناسی

این پژوهش در محدوده‌ی زمانی سال ١٣٩٦ـ ١٣٩٥ انجام گرفته است. شیوه‌ی اجرا، پیمایشی و مکان پژوهش شهر اهواز بوده است. جامعه‌ی آماری پژوهش شامل تمامی زنان بین سنین ١٨ تا ٦٤ سال، است که در مدت زمان تحقیق، در این شهر سکونت دارند. جامعه‌ی آماری ما ٣٤٣٨٠٦ نفر از زنان شهر اهواز هستند که در محدوده‌ی سنی ١٨ تا ٦٤ سال قرار دارند. ما در این پژوهش از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب با حجم استفاده کرده‌ایم. نمونه‌گیری طبقه‌ای زمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد که جامعه‌ی آماری دارای ساخت همگن و متجانس نبوده و از اجزای گوناگون تشکیل شده باشد از آنجایی که اهواز از نظر جمعیت و وسعت شهری یکی از بزرگ‌ترین شهرهای کشور و کلان‌شهر محسوب می‌شود لذا دارای مناطق شهری ناهمگون و نامتجانس می‌باشد. بنابراین ما بر اساس آمار و اطلاعات جمعیتی شهرداری اهواز و همچنین بر اساس تقسیم بندی هشت‌گانه‌ی مناطق شهری سعی کرده‌ایم، با تقسیم‌بندی مناطق هشت‌گانه به سه منطقه‌ی (پایین، متوسط و بالا) طبقه‌هایی نسبتاً همگون و متجانس داشته باشیم و نمونه‌هایی که انتخاب کردیم در این سه طبقه دقیقاً بر اساس حجم کل جمعیت آماری در این طبقات بوده است. حجم نمونه‌ی آماری با استفاده از فرمول کوکران بدست آمده است. به این ترتیب حجم نمونه به صورت تقریبی ٣٨٤ نفر برآورد گردید. با توجه به ماهیت موضوع، ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه بوده است. سؤالات پرسشنامه‌ی تحقیق، بر اساس چهارچوب نظری، مفاهیم و متغیرهای به کار رفته در فرضیه‌های مطروحه و با بازبینی پرسشنامه‌های تحقیقات مشابه طراحی شده است. تجزیه و تحلیل اطلاعات گردآوری شده با استفاده از نرم‌افزار SPSS انجام گرفت و برای بررسی وجود روابط و نوع و شدت رابطه بین متغیرها، با توجه به سطوح سنجش هر یک از متغیرها، آزمون ضریب همبستگی پیرسون، T، F، تحلیل عاملی، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر به اجرا گذاشته شد.

تعریف مفهومی و عملیاتی متغیر های پژوهش

مک کلاسکی، مشارکت سیاسی را آن دسته از فعالیت های های داوطلبانه ای می داند، که از اعضای یک جامعه از طریق آن به طور مستقیم یا غیر مستقیم در گزینش حاکمان و تأثیر گذاری در سیاست های عمومی سهیم می شوند (Awofeso, tayo and odeyemi 2014: 107)، مشارکت سیاسی در گیر شدن فرد در سطوح مختلف فعالیت در نظام سیاسی از عدم درگیری تا داشتن مقام رسمی سیاسی است. مشارکت سیاسی فرآیندی است که طی آن قدرت سیاسی میان افراد و گروهای جامعه به گونه‌ای توزیع می‌شود که تمامی شهروندان و گروه‌های فعال و خواهان مشارکت سیاسی

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

از حق انتخاب شدن، تصمیم گیری، سیاستگذاری، ارزیابی، انتقاد، اعتراض، اظهار نظر و انتخاب کردن بهره مند می‌شود (لعل علیزاده، ۱۳۹۳ : ۸۱). برای سنجش متغیر مشارکت سیاسی از ١٤ گویه در فرم مقیاس لیکرت استفاده شده است.

جدول شماره ۲: گویه های سنجش مشارکت سیاسی

ردیف	گویه ها
۱	تا چه اندازه سعی می‌کنید در تظاهرات شرکت نموده واز نظام سیاسی حمایت یا انتقاد نمایید.
۲	تا چه اندازه در انتخابات شرکت نموده تا فرد مورد نظر خود را برای منصب سیاسی انتخاب نمایید.
۳	چقدر وقت می‌گذارید تا از اخبار و وقایع سیاسی کشور آگاه شوید.
٤	چقدر در جلسات و مباحثات سیاسی شرکت نموده و نظرات خود را بیان می‌کنید.
٥	چقدر بحث‌های سیاسی را از طرق مختلف پیگیری می‌نمایید تا بر نظام سیاسی تأثیر گذارید .
٦	چقدر با تشکل‌های سیاسی (احزاب، بسیج، انجمن اسلامی و...) ارتباط دارید.
۷	چقدر در فعالیت‌های تبلیغاتی کاندیدای مورد نظر تان شرکت می‌نمایید.
۸	چقدر خودتان برای کسب مناصب سیاسی تلاش می‌نمایید.
۹	چقدر دیگران را تشویق می‌کنید تا در انتخابات شرکت نمایند .
۱۰	تا چه اندازه در راه اندازی شبکه‌های سیاسی مجازی و وبلاگ‌های سیاسی فعال هستید.
۱۱	تا چه اندازه با تفکرات و مطالعات سیاسی سعی می‌کنید بربرنامه‌ها و تصمیم گیری‌های مسئولین تأثیر بگذارید.
۱۲	تا چه اندازه با نگارش مطالب سیاسی سعی می‌کنید نظام سیاسی را مورد حمایت یا نقد قرار دهید.
۱۳	چقدر از طریق همکاری با رسانه‌ها و مصاحبه با آنها نظرات خود را بیان نموده و یا بر نظام سیاسی تأثیر بگذارید.
١٤	تا چه اندازه از طریق کمک مالی بر مشارکت سیاسی خود تأثیر می‌گذارید.

پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی جایی است که فرد خاصی در نظامی معین اشغال می کند(زارع و روهنده، ١٣٩٤ : ٧٨). در پژوهش حاضر برای سنجش متغیر پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی از دو بعد ذهنی و عینی پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی استفاده شده است. بعد عینی، وضعیت واقعی فرد را می‌سنجد. در مطالعه حاضر، تعریف عملیاتی بعد عینی پایگاه اجتماعی- اقتصادی، میزان تحصیلات فرد، پدر و مادر، شغل فرد، پدر و مادر، میزان درآمد خانواده و فرد و وضعیت مسکن در نظر گرفته شده است. منظور از بعد ذهنی پایگاه اجتماعی- اقتصادی، تخمین طبقه اجتماعی یا پنداشت پاسخگو از جایگاه خود در ساختار اجتماعی از دیدگاه خود اوست که می‌تواند به عنوان متغیر اثرگذاری محسوب گردد. در مطالعاتی که پایگاه اجتماعی- اقتصادی را در کار خود مورد استفاده

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

قرار داده‌اند، برای سنجش بعد ذهنی آن به یک پرسش اکتفا کرده‌اند که در پژوهش حاضر همان (اگر مردم جامعه را به پنج طبقه خیلی بالا، بالا، متوسط، پائین و خیلی پائین تقسیم کنند، شما خود را در چه طبقه‌ای جای می‌دهید)، ملاک قرار گرفته شده است.

جدول شماره ٣: نتیجه (آلفای کرونباخ) مربوط به گویه های مشارکت سیاسی

متغیر ها	مقدار آلفا	تعداد گویه
مشارکت سیاسی	/٩٣	١٤

تحلیل عامل متغیر وابسته (مشارکت سیاسی)

در این قسمت نتایج تحلیل عامل گویه‌های مشارکت سیاسی ارائه می‌شود. مقادیر آزمون KMO و Bartlet در جدول ٣ نشان داده شده است؛ همچنین این آزمون در سطح اطمینان ٩٩ درصد معنادار است. با توجه به مقدار KMO که بیشتر از ٠/٦٠ می‌باشد و معناداری آزمون بارتلت، می‌توان مطمئن بود که داده‌ها برای انجام تحلیل عامل مناسب هستند.

جدول ٤: آماره‌های مربوط به تحلیل عامل

آماره	KMO	آزمون Bartlet	درجه‌ی آزادی	سطح معناداری
مقدار	/٩٠٠	٣٨٦٧/٧٥٣	٩١	/٠٠٠

از آنجا که در ماتریس عامل دوران نیافته، توزیع عامل‌ها به گونه‌ای است که نمی‌توان تفسیر روشنی از آنها بدست آورد، در روش تحلیل عامل از چرخش استفاده می‌شود. ماتریس دوران یافته که در جدول ٤، نشان داده شده گویه‌ها بر دو عامل بار شده‌اند.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

جدول ۵: ماتریس عامل دوران یافته

گویه‌ها	عامل اول	عامل دوم
X_1		۰/۵۲۹
X_2		۰/٦٦۰
X_3		۰/۷۸٤
X_4		۰/۷۸۲
X_5		۰/۷٦۱
X_6		۰/٦٤۲
X_7		۰/۵٦۹
X_8	۰/۷۹۰	
X_9	۰/۵۷۸	
X_{10}	۰/۷۷۸	
X_{11}	۰/۷۰۵	
X_{12}	۰/۷٦۹	
X_{13}	۰/۸۷۱	
X_{14}	۰/۷۵۱	

با توجه به جدول ۵، عامل اول ۳٤/۸٦۰ درصد و عامل دوم ۲۹/۵۰۸ درصد از واریانس متغیر مشارکت سیاسی را تبیین می‌کنند. در مجموع این دو عامل ٦٤/۳٦۷ درصد از واریانس مشارکت سیاسی را تبیین می‌کنند.

جدول ٦: واریانس تبیین شده توسط عامل‌ها

عامل	درصد واریانس تبیین شده توسط عامل	درصد واریانس تجمعی
عامل اول	۳٤/۸٦۰	۳٤/۸٦۰
عامل دوم	۲۹/۵۰۸	٦٤/۳٦۷
کل	٦٤/۳٦۷	-

نتایج و یافته ها

توزیع فراوانی تحصیلات پاسخگویان بدین شرح است که ٤/۸ درصد ابتدایی، ٤/۲ سیکل، ۲۷/۱ درصد دیپلم، ۲۲/۳ درصد فوق دیپلم، ۳۷/٤ درصد کارشناسی و ٤/۰ درصد هم دارای تحصیلات

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

کارشناسی ارشد و بالاتر می‌باشند. توزیع فراوانی میزان درآمد پاسخگویان نشان می‌دهد که بالاترین فراوانی با ٦٥/٨ درصد متعلق به پاسخگویانی است که زیر ٥٠٠ هزار تومان درآمد ماهیانه دارند؛ و به ترتیب بین ٥٠٠ تا ١ میلیون با ١٩/٩ درصد، ١ تا ١/٥ میلیون ١٣/٠ درصد، ١/٥ میلیون به بالا هم با ٥/٨ در رتبه‌ی آخر قرار دارند. توزیع فراوانی شغل پاسخگویان نشان می‌دهد که ٣٣/٤ درصد از پاسخگویان محصل، ١٥/٦ درصد کارمند، ٣٨/٥ درصد خانه‌دار و ١١/٩ درصد پاسخگویان هم دارای شغل آزاد می‌باشند. میانگین مشارکت سیاسی، ٥٢/٨٣، انحراف معیار آن ١٢/٥٠ است که نشان‌دهنده‌ی میزان پایین مشارکت سیاسی پاسخگویان می‌باشد؛ و کمترین حد آن ١٤ می‌باشد و بیشترین حد آن ٧٠ می‌باشد.

فرضیه‌ی اول: به نظر می‌رسد میان تحصیلات فرد و والدین و مشارکت سیاسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

برای تحلیل این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r =٠/١١٥) استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری (Sig= ٠/٠٢٦) می‌توان ادعا کرد بین دو متغیر رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت با افزایش میزان تحصیلات فرد و والدین، مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند و بالعکس.

فرضیه‌ی دوم: به نظر می‌رسد میان درآمد فرد و والدین و مشارکت سیاسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

برای تحلیل این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r =٠/١٠٨) استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری (Sig= ٠/٠٣٦) می‌توان ادعا کرد بین دو متغیر رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت با افزایش میزان درآمد فرد و والدین، مشارکت سیاسی نیز افزایش پیدا می‌کند و بالعکس.

فرضیه‌ی سوم: به نظر می‌رسد میان وضعیت اشتغال فرد و والدین و مشارکت سیاسی رابطه‌ی معناداری وجود دارد.

برای تحلیل این فرضیه از آزمون ضریب همبستگی پیرسون (r =٠/١٨٠) استفاده شده است. با توجه به سطح معناداری (Sig= ٠/٠٠٠) می‌توان ادعا کرد بین دو متغیر رابطه‌ی مثبت و معناداری وجود دارد. به‌عبارت دیگر می‌توان گفت افراد با وضعیت شغلی بالاتر، مشارکت سیاسی بیشتری خواهند داشت و بالعکس.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

فرضیه چهارم: به نظر می رسد میان مشارکت سیاسی پاسخگویان بر حسب وضعیت مسکن تفاوت معناداری وجود دارد.

برای بررسی رابطه متغیر وضعیت مسکن و مشارکت سیاسی، متغیر وضعیت مسکن رتبه‌ای (با دورتبه) و متغیر مشارکت سیاسی به صورت فاصله‌ای سنجیده شده است، مناسب‌ترین آزمون برای بررسی رابطه میان این دو متغیر آزمون T -Test می‌باشد. میانگین نمرات نشان‌دهنده‌ی این مطلب می‌باشد که میزان مشارکت سیاسی خانواده هایی که دارای منزل شخصی می‌باشند، بیشتر از خانواده هایی است که دارای منزل رهن و اجاره ای می‌باشد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین‌های گروه‌های مختلف در مورد میزان مشارکت سیاسی بر اساس آزمون T -Test با مقدار ۲/۱۹۸و سطح اطمینان ۹۵ درصد (Sig =۰/۰۲۹)، معنادار می‌باشد، نتایج نشان می‌دهد که وضعیت مسکن در مشارکت سیاسی زنان تأثیرگذار می‌باشد.

فرضیه پنجم: به نظر می رسد میان متغیر طبقه اجتماعی و مشارکت سیاسی رابطه معناداری وجود دارد.

در مطالعاتی که پایگاه اجتماعی- اقتصادی را در کار خود مورد استفاده قرار داده‌اند، برای سنجش بعد ذهنی آن به یک پرسش اکتفا کرده‌اند که در پژوهش حاضر همان (اگر مردم جامعه را به پنج طبقه خیلی بالا، بالا، متوسط، پائین و خیلی پائین تقسیم کنند، شما خود را در چه طبقه‌ای جای می‌دهید)، ملاک قرار گرفته شده است. میانگین نمرات نشان دهنده این مطلب می باشد که میزان مشارکت سیاسی کسانی که در طبقه پایین قرار دارند ، بیشتر از بقیه افراد می باشد. با توجه به اینکه تفاوت مشاهده شده بین میانگین های گروه های مختلف در مورد میزان مشارکت سیاسی براساس آزمون F با مقدار ۲/٦٥۲ و سطح اطمینان ۹۵ درصد (sig = /۰۳۳) ، معنادار می باشد ، نتایج نشان می دهد که طبقه اجتماعی در مشارکت سیاسی زنان تأثیر گذار می باشد.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

جدول ۷: نتایج تحلیل دو متغیره بین مشارکت سیاسی و متغیر های مستقل

متغیر	مشارکت سیاسی	
	نوع آزمون	سطح معناداری
تحصیلات فرد و والدین	r	۰/۰۲٦
اشتغال فرد و والدین	r	۰/۰۰۰
درآمد فرد و خانواده	r	۰/۰۳٦
وضعیت مسکن	T	۰/۰۲۹
طبقه اجتماعی	F	۰/۰۳۳

تحلیل رگرسیون

در تحلیل روابط چند متغیره از تحلیل رگرسیونی چندگانه برای بررسی روابط بین متغیرها استفاده شده است. برای تعیین سهم تأثیرگذاری نسبی هر یک از متغیرهای مستقل بر روی مشارکت سیاسی زنان، تحلیل رگرسیونی چند متغیره به روش همزمان استفاده گردید. بر اساس ضریب تعیین،۷/٤درصد از تغییرات متغیر مشارکت سیاسی بوسیله‌ی چهار متغیر تحصیلات فرد و والدین ، شغل فرد و والدین، درآمد فرد و خانواده و طبقه اجتماعی تبیین می‌شود.

جدول۸: تجزیه واریانس رگرسیون چند متغیره فرضیه‌های تحقیق

مدل	درجه-ی آزادی	مجموع مجذورات	میانگین مجذورات	کمیت f	سطح معناداری f	ضریب همبستگی چندگانه	ضریب تعیین
رگرسیون	٤	٤٣٦٧/٨٩٢	١٠٩١/٩٧٣				
باقیمانده	٣٧٠	٥٤٢٨٦/٨٩٧	١٤٦/٧٢١	٧/٤٤٢	۰/۰۰۰	۰/۲۷۳	۰/۰۷٤
کل	٣٧٤	٥٨٦٥٤/٧٨٩	–				

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

جدول ۹: آزمون رگرسیون به روش همزمان برای متغیر مشارکت سیاسی

عوامل موثر بر مشارکت سیاسی	مقدار ثابت	ضریب تعیین	ضرایب استاندارد نشده		ضرایب استانداردنشده	t	سطح معناداری
			ضریب تأثیر	خطای استاندارد	ضریب تأثیر		
۱ تحصیلات فرد و والدین	۲۶/۸۲٤	۷/٤	۰/۵۰۷	۰/۳۰٤	۰/۰۹۰	۱/٦٦۷	۰/۰۹٦
۲ شغل فرد و والدین			۱/٦٤٦	۰/۵۰۱	۰/۱۷۷	۳/۲۸۵	۰/۰۰۱
٤ درآمد فرد و خانواده			۰/۸۷۷	۰/٤۳۸	۰/۱۰۹	۲/۰۰٤	۰/۰٤٦
۵ طبقه اجتماعی			۲/۹۵۲	۰/۹۷۱	۰/۱٦۵	۳/۰٤۰	۰/۰۰۳

تحلیل مسیر

تحلیل مسیر ، مدل علی برای درک روابط بین متغیر هاست . به عبارت دیگر ، تحلیل مسیر برای آزمون های مدل های علی به کار می رود و مستلزم مدلی به صورت نمودار علی است . این مدل براساس تحلیل رگرسیون است ، اما از آنجا که تصویر گرافیکی ارائه می دهد سودمندتر از روش های دیگر است . در تحلیل مسیر ، فرض بر ای این است که مقادیر یک متغیرناشی از مقادیر متغیر دیگر است ، پس ضرورت دارد که متغیر مستقل و متغیر وابسته مشخص باشند . البته این ضرورت اختصاص به تحلیل مسیر ندارد ، بلکه تحلیل مسیر به شیوه منحصر به فردی نتایج تبیینی را برای تفسیر نشان می دهد (ببی[16] ۱۰۲۲:۱۳۹۰)

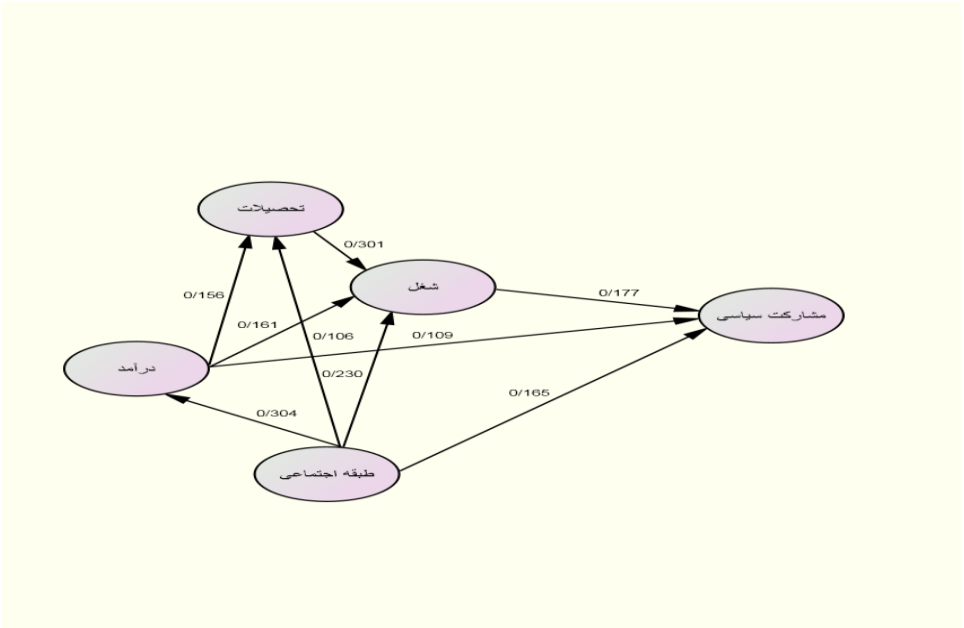
[16].Babbie

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

جدول ١٠: تحلیل مسیر

متغیرهای مستقل	اثر مستقیم	اثرغیر مستقیم	اثر کل	اثرات تبیین شده	اثرات تبیین نشده
تحصیلات فرد و والدین	–	۰/۰۵۳	۰/۰۵۳	۷/٤	۹۲/٦
شغل فرد و والدین	۰/۱۷۷	–	۰/۱۷۷		
درآمد فرد و خانواده	۰/۱۰۹	۰/۰۳٦	۰/۱٤٥		
طبقه اجتماعی	۰/۱٦٥	۰/۰٦۰	۰/۲۲٥		

پس به منظور شناسایی تأثیرات غیر مستقیم متغیر های مستقل و وابسته از روش تحلیل مسیر استفاده شده است . براساس تحلیل مسیر انجام شده که در جدول شماره ۱۰ وارد شده است ، مدل اصلی تبیین کننده های مشارکت سیاسی زنان به این صورت رسم می شود.



شکل شماره ۲: مدل تحلیل مسیر

نتیجه گیری

مشارکت مفهومی است چند بعدی و پیچیده که هر جامعه ای نسبت به قوام خود از سطوح مختلفی از آن در ابعاد مختلف برخوردار است. بر همین اساس جوامع مختلف به دنبال ایجاد و افزایش

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

مشارکت شهروندان در عرصه های گوناگون اجتماعی هستند تا بدین طریق، همبستگی اجتماعی و پیوند های اجتماعی اشان را محکم، و از فروپاشی اجتماعی جلوگیری کنند. به هر صورت هر اقدامی در مسیر مهندسی اجتماعی و افزایش مشارکت، نیاز به شناخت عوامل و علت های اساسی تأثیرگذار برمشارکت دارد و این مهم بدون انجام تحقیقات دقیق و بنیادی امکان پذیر نیست (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸:۲۲٤). با توجه به هدف و ویژگی های پژوهش مورد نظر، جامعه آماری یا قلمرو پژوهش، مجموعه زنان ساکن در شهر اهواز با ضابطه سنی بین ۱۸ تا ٦٤ سال مشخص شده است که با روش نمونه گیری طبقه ای متناسب با حجم، انجام پذیرفته است. حجم نمونه بر این اساس در تحقیق حاضر ۳۸٤ نفر بوده است. نتایج یافته های تحقیق نشان می دهد از میان متغیر های مختلف، متغیر های تحصیلات فرد و والدین، درآمد فرد و خانواده، شغل فرد و والدین، وضعیت مسکن و طبقه اجتماعی رابطه معناداری با مشارکت سیاسی زنان در شهر اهواز دارند. پس می توان نتیجه گرفت که بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی در بین زنان شهر اهواز رابطه معناداری وجود دارد. به نظر هانتینگتون، افراد در جوامع ثروتمندتر، صنعتی‌تر، شهری شده‌تر، و پیچیده‌تر نسبت به افرادی که در نظام‌های اقتصادی و اجتماعی کمتر توسعه‌یافته‌تر، کشاورزی، روستایی و ابتدایی‌تر زندگی می‌کنند، بیشتر در سیاست دخالت می‌کنند. هر چه سطح توسعه اقتصادی ـ اجتماعی در جامعه بالاتر باشد، سطح مشارکت سیاسی در آن جامعه بالاتر است و احتمالاً نسبت مشارکت اختیاری به مشارکت بسیج شده نیز بالاتر است (فیروز جائیان و جهانگیری ، ۱۳۸۷ : ۹۲ ـ ۹۱). لیپست نیز معتقد است که بین مشارکت سیاسی و عوامل اجتماعی و اقتصادی رابطه‌ای قوی وجود دارد و در اکثر مطالعات خود، رابطه‌ای مثبت بین پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی و مشارکت سیاسی را نشان داده است (عالی‌زاد، ۱۳۷۳ : ۱۲۳)، وی با تبیین الگوی شرکت در انتخابات میان کشورهای مختلفی چون (آلمان، سوئد، آمریکا، نروژ، فنلاند) این الگو را در کشورهای مذکور کم و بیش یکسان می‌بیند، به این معنا که معتقد است در کلیه این کشورها میزان مشارکت در میان مردان بیشتر از زنان است، تحصیلکرد ها بیشتر از کمتر تحصیلکردها، شهرنشینان بیشتر از روستاییان، افراد بین ۳۵ تا ۵۵ سال بیشتر از جوان‌ترها و مسن‌ترها، متأهلین بیشتر از مجردین، افراد با پایگاه‌های طبقاتی بالاتر بیشتر از افراد با پایگاه‌های طبقاتی پایین‌تر و افرادی که دارای عضویت سازمانی هستند از افرادی که عضویت سازمانی ندارند بیشتر در انتخابات شرکت می کنند (Lipset, 1960: 182). آلموند و پاول نیز ضمن تأکید بر تحصیلات، درآمد و رتبه شغلی افراد در تعیین پایگاه اجتماعی و اقتصادی آنان در خصوص اثرات پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی بر مشارکت سیاسی و اجتماعی افراد بیان می‌دارند (غفاری و نیازی، ۱۳۸٦ : ٦۷ ـ۵۲)، که شهروندان

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

تحصیلکرده، ثروتمند و بهره مند از مهارت‌های حرفه‌ای بالاتر، احتمال بیشتری دارد که واجد ایستارهای مشارکت جویانه باشند. منابع و مهارت‌هایی که این گونه افراد در زندگی خصوصی خود به دست می‌آورند، در مواردی که وظیفه یا ضرورت حکم کند، می‌تواند این شهروندان را به سهولت به مشارکت سیاسی بکشاند (نوروزی و بختیاری، ١٣٨٨ : ٢٥٣)، در نهایت وربای و نای معتقدند که شهروندان مرفه تر، تحصیل کرده تر و برخوردار از پایگاه اجتماعی بالاتر دارای مشارکت بیشتری بوده(غفاری و نیازی، ١٣٨٦: ٦٩)، پس پایگاه اقتصادی و اجتماعی افراد با مشارکت سیاسی آنان رابطه دارد (Nie et al, 1969; Verba, 2003; Hafner fink, 2012: 545). همچنین نتایج حاصل از نیکویی برازش و تناسب مدل تحلیلی از طریق کاربرد رگرسیون چند گانه و تحلیل مسیر نشان داد که طبقه اجتماعی با ٠/٢٢٥موثر ترین متغیر تأثیرگذار بر مشارکت سیاسی بوده است. نتایج تحلیل رگرسیون، میزان ضریب تأثیر استاندارد شده و استاندارد نشده را نشان می دهد. در ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده، بتای متغیر طبقه اجتماعی در پیش بینی متغیر مشارکت سیاسی به اندازه ٠/١٦٥ می باشد. به بیان دیگر ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر طبقه اجتماعی برابر ٠/١٦٥ در سطح خطای کمتر از ٠/٠٠١ معنی دار است و با افزایش یک واحد تغییر انحراف استاندارد در متغیر طبقه اجتماعی، میزان مشارکت سیاسی به مقدار، ٠/١٦٥ انحراف استاندارد تغییر، افزایش می یابد. آماره t نیز اهمیت نسبی حضور هر متغیر مستقل در مدل رگرسیون را نشان می دهد. معمولا هرگاه قدر مطلق این آماره برای متغیری، بزرگتر از عدد ١/٩٦ در سطح ٠/٠٥ درصد و ٢/٣٣ در سطح ٠/٠١ درصد، باشد، نتیجه خواهیم گفت که متغیر مورد نظر تأثیر آماری معناداری در تبیین متغییر وابسته دارد. در اینجا نیز آماره t برای متغیر طبقه اجتماعی ٣/٠٤٠ می باشد که نشان از معناداری این متغیر می باشد. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان می دهد که میزان اثر مستقیم متغیر طبقه اجتماعی ٠/١٦٥ ، اثر غیر مستقیم متغیر طبقه اجتماعی ٠/٠٦٠ و اثر کل این متغیر ٠/٢٢٥ می باشد. بنابر این می توان نتیجه گیری که کرد که قدرتمند ترین متغیر در پیش بینی مقدار واریانس تبیین شده میزان مشارکت سیاسی متغیر طبقه اجتماعی می باشد. بعد از این متغیر، شغل فرد و والدین با ٠/١٧٧در رتبه دوم قرار دارد. نتایج تحلیل رگرسیون، نشان می دهد که ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده، بتای متغیر شغل فرد و والدین در پیش بینی متغیر مشارکت سیاسی به اندازه ٠/١٧٧ می باشد. به بیان دیگر ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر شغل فرد و والدین برابر ٠/١٧٧ در سطح خطای کمتر از ٠/٠٠١ معنی دار است و با افزایش یک واحد تغییر انحراف استاندارد در متغیر شغل فرد و والدین ، میزان مشارکت سیاسی به مقدار، ٠/١٧٧ انحراف استاندارد تغییر، افزایش می یابد. در اینجا نیز آماره t برای متغیر شغل فرد و والدین ٣/٢٨٥

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

می باشد که نشان از معناداری این متغیر می باشد. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان می دهد که میزان اثر مستقیم متغیر شغل فرد و والدین ۰/۱۷۷، اثر غیر مستقیمی بر متغیر مشارکت سیاسی ندارد و اثر کل این متغیر ۰/۱۷۷ می باشد. همچنین متغیر درآمد فرد و خانواده با ۰/۱٤٥ در رتبه سوم قرار دارد. نتایج تحلیل رگرسیون، نشان می دهد که ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده، بتای متغیر درآمد فرد و خانواده در پیش بینی متغیر مشارکت سیاسی به اندازه ۰/۱۰۹ می باشد. به بیان دیگر ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر درآمد فرد و خانواده برابر ۰/۱۰۹ در سطح خطای کمتر از ۰/۰۰٥ معنی دار است و با افزایش یک واحد تغییر انحراف استاندارد در متغیر درامد فرد و خانواده ، میزان مشارکت سیاسی به مقدار، ۰/۱۰۹ انحراف استاندارد تغییر، افزایش می یابد. در اینجا نیز آماره t برای متغیر درامد فرد و خانواده ۲/۰۰٤ می باشد که نشان از معناداری این متغیر می باشد. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان می دهد که میزان اثر مستقیم متغیر درامد فرد و خانواده ۰/۱۰۹، اثر غیر مستقیم ۰/۰۳٦ و اثر کل این متغیر ۰/۱٤٥ می باشد. در نهایت متغیر تحصیلات فرد و والدین با ۰/۰٥۳ در رده چهارم قراردارد. نتایج تحلیل رگرسیون، نشان می دهد که ضریب تأثیر رگرسیونی استاندارد شده، بتای متغیر فرد و والدین در پیش بینی متغیر مشارکت سیاسی به اندازه ۰/۰۹۰ می باشد. به بیان دیگر ضریب رگرسیونی استاندارد شده برای متغیر فرد و والدین برابر ۰/۰۹۰ معنی دار نیست در اینجا نیز آماره t برای متغیر فرد و والدین ۱/٦٦۷ می باشد که نشان از معناداری این متغیر نمی باشد. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان می دهد که متغیر تحصیلات فرد و والدین اثر مستقیمی بر متغیر مشارکت سیاسی ندارد ولی اثر غیر مستقیم ۰/۰٥۳ و اثر کل این متغیر ۰/۰٥۳ می باشد. در نهایت متغیر های موجود ۷/٤ درصد ار واریانس متغیر وابسته (مشارکت سیاسی) را تبیین کرده اند و ۹۲/٦ درصد از واریانس تبیین نشده متعلق به متغیر هایی است که در این تحقیق به کار برده نشده است.

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

منابع فارسی

آل غفور، سید محمد تقی و فاطمه کاشف الغطاء (١٣٨٨) تأثیر شرایط اجتماعی و اقتصادی بر مشارکت سیاسی زنان در ایران ، فصلنامه علمی ـ ترویجی بانوان شیعه، سال ششم، شماره ٢٠، صص ١٨٥ ـ ١٤٩

اصبغی، حسین (١٣٨٩) بررسی نقش پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی رأی دهدگان در انتخابات دهم ریاست جمهوری ایران: مطالعه موردی شهرستان دشتستان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

امام جمعه زاده، سید جواد ومحمود رضا رهبر قاضی، امید عیسی نژاد، زهره مرندی (١٣٩١) بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و مشارکت سیاسی در بین دانشجویان دانشگاه اصفهان، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال هفتم، شماره چهارم، صص ٣٤ ـ٧

باور، یوسف (١٣٧٤) بررسی تأثیر وضعیت اقتصادی ـ اجتماعی دانشجویان دانشگاه شیراز بر نگرش آنان نسبت به مشارکت سیاسی زنان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز، گروه جامعه شناسی

ببی ، ارل (١٣٩٠) روش های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد دوم) ، ترجمه رضا فاضل ، تهران ، انتشارات سمت

بستانی، حسن (١٣٨٢) بررسی تأثیر پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی دانشجویان بر میزان مشارکت سیاسی آنان و ارائه راهکار های سیاستگذاری جهت تقویت این مشارکت، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی

پناهی، محمد حسین و سمیه السادات بنی فاطمه (١٣٩٤) فرهنگ سیاسی و مشارکت سیاسی زنان، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ٦٨، صص ٥٦ ـ ٣٥

حسین پناهی، بهروز (١٣٩٠) شناسایی عوامل موثر بر مشارکت سیاسی ـ اجتماعی زنان در استان گلستان؛ مطالعه موردی شهر گنبد کاووس، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران بزرگ، دانشکده علوم اجتماعی

حسنی، قاسم (١٣٨٣) بررسی رابطه بیگانگی سیاسی ـ اجتماعی با مشارکت سیاسی ـ اجتماعی و امنیت ملی ، فصلنامه علوم اجتماعی ، صص ١٧٩ ـ ١٤١

راش، مایکل (١٣٩٠) جامعه و سیاست؛ مقدمه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی ، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، انتشارات سمت

زارع، بیژن و مجید روهنده (١٣٩٥) پژوهشی در باب دینداری و مشارکت سیاسی، دو فصلنامه پژوهش های جامعه شناسی معاصر، سال پنجم، شماره ٨ صص ٤٦ـ٢٣

زاهدی، محمد جواد و علی بیرانوند (١٣٨٩) پایگاه اقتصادی ـ اجتماعی و نگرش به مشارکت سیاسی، مجله جامعه شناسی ایران، دوره یازده، شماره دو، صص ٧٠ـ٤٤

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

زیبا کلام، صادق، حسین اصبغی و داوود افشاری (۱۳۸۹) تأثیر پایگاه اجتماعی ـ اقتصادی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی شهرستان دشتستان، فصلنامه مطالعات سیاسی، سال سوم، شماره ۹، صص ۷۰ـ٤٤
سعیدی، محمد رضا (۱۳۸۲) «درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌ها غیر دولتی»، تهران، نشر سمت
شایگان، فریبا (۱۳۸۷) «بررسی عوامل تأثیر گذار بر اعتماد سیاسی»، دانش سیاسی، شماره ۱، صص۱۷۹ـ۱۵۳
شهرام نیا، امیر مسعود، حوا ابراهیمی، رضا محمود اوغلی و مجید ملکان(۱۳۹٦) سنجش تأثیر شبکه های اجتماعی بر مشارکت سیاسی: مطالعه موردی دانشجویان دانشگاه مازندران، جامعه شناسی کاربردی، دوره بیست و هشت، شماره یک، شماره پیاپی شصت و پنج، صص ۳۲ ـ ۱۹
صبوری کاشانی، منوچهر (۱۳۸۱) جامعه شناسی سیاسی، تهران، نشر سخن
عالی زاد، اسماعیل (۱۳۷۳) مشارکت سیاسی و تنوع رفتار رأی دهندگان، فرهنگ اندیشه،سال هفتم، شماره ۲٦ و ۲۷ صص ۱٤۱ ـ ۱۱۹
عزیزی، حمید (۱۳۹۰) بررسی تأثیر فرهنگ سیاسی بر مشارکت سیاسی؛ مطالعه موردی افراد بالای ۲۰ سال شهر بهبهان، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه مازندران، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی
علی حسینی ، علی و سید جواد امام جمعه زاده، مهدیه پور رنجبر (۱۳۹۳) بررسی رابطه جامعه پذیری و مشارکت سیاسی زنان، پژوهش نامه زنان، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۵، شماره ۱، صص ۱۸۵ ـ ۱٦۱
غفاری، غلامرضا (۱۳۹۲) مدیریت شهری و مشارکت های اجتماعی ، تهران، نشر تیسا، چاپ اول.
غفاری، غلامرضا و محسن نیازی (۱۳۸٦) جامعه شناسی مشارکت، تهران ، نشر نزدیک، چاپ اول
غفاری هشجین، زاهد و همکاران (۱۳۸۹) «عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان علوم سیاسی و فنی دانشگاه تهران»، دانش سیاسی، سال ٦، شماره ۲، صص ۲٤۰ ـ ۲۰۷
غلامی، عباس (۱۳۹۱) بررسی نگرش شهروندان قمی به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و تأثیر آن بر مشارکت سیاسی، فصلنامه مطالعات انتخابات، سال ۱، شماره ۲، صص ۵۹ ـ ۳۳
فیروزجائیان، علی اصغر و جهانگیر جهانگیری (۱۳۸۷) تحلیل جامعه شناختی مشارکت سیاسی دانشجو.یان؛ نمونه مورد مطالعه دانشجویان دانشگاه تهران، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، صص ۱۰۹ ـ ۸۳
گلابی، فاطمه و فتانه حاجیلو (۱۳۹۱) بررسی جامعه شناختی برخی عوامل موثر بر میزان مشارکت سیاسی زنان؛ مطالعه موردی استان آذربایجان شرقی، مطالعه و تحقیقات اجتماعی، دوره اول، شماره۱: ۲۰۰ ـ ۱۷۳
لعل علیزاده، محمد (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی سیاسی، تهران، نشر دانشگاه پیام نور، چاپ اول
لهسایی زاده، عبدالعلی، جهانگیر جهانگیری و بیژن خواجه نوری (۱۳۸٤) بررسی مشارکت اقتصادی زنان ؛ مطالعه موردی استان فارس، مجله جامعه شناسی ایران، دوره ٦، شماره ۳، صص ۱٤۵ـ ۱۲٤

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

مجدی نسب، محمد اسلام (١٣٩٤) مشارکت سیاسی چگونگی و چرایی، چاپ اول، تهران، انتشارات جامعه شناسان

مسعود نیا، حسین و نجات محمدی، گلمراد مرادی، عاطفه فروغی(١٣٩١) بررسی عوامل اجتماعی ـ روانشناختی موثر بر مشارکت سیاسی استادان دانشگاه مورد مطالعه؛ دانشگاه اصفهان، جامعه شناسی کاربردی، سال بیست و سوم، شماره پیاپی (٤٨)، شماره ٤، صص ١٢٤ ـ ١٠٣

نژاد بهرام (١٣٨٨) موانع مشارکت سیاسی زنان در ایران، تهران، انتشارات رسانش، چاپ اول

نوروزی، فیض الله و مهناز بختیاری (١٣٨٨) مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی موثر بر آن، فصلنامه راهبرد، سال ١٨، شماره ٥٣، صص ٢٦٩ ـ ٢٤٩

هاشمی، سید ضیاء ومجید فولادیان، زینب فاطمی امین (١٣٨٨) بررسی عوامل اجتماعی و روانی موثر بر مشارکت سیاسی مردم شهر تهران، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال پنجم، شماره اول، صص ٢٢٦ ـ ١٩٩

منابع لاتین

1. Altunsu sonmez, Ozlen (2013) Religiosity and political participation of university student in turkey, Mediterranean journal of social sciences , Vol 4, No10, pp 403-409
2. Al haji Ali , Mustapha(2014) An Assessment of factors affecting women participation in Nigeria labour congress , journal of emerging trends in educational research and policy studies , teteraps 5(8) , p-p 220 -223
3. Awofeso, Olu and Temi tayo , isac odeyemi (2014) Gender and political participation in Nigeria; a cultural persp[ective, jornal research in peace, gender and development, Vol4, No6, p-p 104- 101
4. Beeghley, Leonard (1989) Social class and political participation: A review and an explanation, Sociological Forum, Vol1, Issue 3, pp 496–513
5. HAFNER FINK, Mitja (2012) POLITICAL PARTICIPATION, DEMOCRATISATION AND CITIZENS' VALUES INEUROPE, TEORIJA IN PRAKSA let. 49 (3),pp 544 – 565
6. Havard ross, Manc(2008) political participation , cross cultural research , p-p 1-20
7. Kraus , Michael and Cameron Anderson , Bennet Callaghan (2015) The Inequality of politics : Social class Rank and political participation , University of California , No120 , pp 1_ 48
8. Kribis, Andriry (2013) political participation and non- democratic political culture in western Europe, East – centeral Europe and post yogoslov loanheies, democracy in transition, pp 225-251
9. Karklins, rasman (2001) political participation in Latvia 1982- 2001, university of ellinois at Chicago brightazapa, University of Latvia, Vol XXXII, No 4, pp 334- 346

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]

10. Ku samsu , Ku hasnita and Seyedeh Nosrat Shojaei , Hossein Asayesh (2010) the financial obstocles of women`s political participation in iran , report and opinion , Vol 2(10) , pp 41-49
11. Losindialo , Elisia and As mussa , Rrj Akarro (2010) Some factor that hinder women participation is social , political and economic activities in Tanzania , Arts and social sciences journal , pp 1-10
12. Lipset , Seymour Martin (1960) political man (the social basess of politics) , Double dayand company INC , Garden city , Newyork university
13. Mushtaq, Ifra, Muhammad Abiodullah, Rafaqat Ali Akber (2018) Political Participation of the Educated in Pakistan, Journal of Elementary Education, Vol.21, No. 1 pp.25-42
14. Nelson, Dale C (1979) Ethnicity and Socioeconomic Status as Sources of Participation: The Case for Ethnic Political Culture, Cambridge University Press, Vol73, pp. 1024-1038
15. Nie, Norman H., G. Bingham Powell, Jr., Kenneth Prewitt (1969): Social Structure and Political Participation: Developmental Relationships, Part I. The American Political Science Review,Vol 63(2),pp 361–378.
16. Saleh nahar , Ghazi and Rima Lutfi Abu hamaidam(2013) The factors affecting the women political participation in Jordanian parliamentary elections (2003 -2013) , International gournal of humanities and social scince , Vol 3 , No 11 , pp 84 -94
17. Shakoor , Ali and Ali Shamsoddini , Naser Karami , Abbas Modabri , Mohaddaseh Hatami (2013) Evoluation of factors affecting women`s political participation in socity ; case study women`s poplation in jarom city , iran , research jornal of recent sciences , Vol2(2) , pp23-27
18. Shojaei, Seydeh Nosrat and Ku Hasanita Ku Samsu , Hossein Asayesh (2010) The Financial obstacles of Women`s political participation in Iran, Report and opinition,No 2(10), pp41-49
19. Tam Cho, Wendy K, James G. Gimpel, Tony Wu (2006) Clarifying the Role of SES in Political Participation: Policy Threat and Arab American Mobilization , ***The Journal of Politics,*** Vol. 68, No. 4, November 2006, pp. 977–991
20. Verba, Sidney (2003): Would the Dream of Political Equality Turn Out to Be a Nightmare? Perspectives on Politics,Vol 1(4),pp 663–679
21. was,Hana (2005) Generation s and Socialization into political participation , paper prepared for presentation at the politics of participation conferec , Helsinki , p-p 1-30
22. Zeng , Benxiang (2014) Women`s political participation in china : Improved or Not ? , Journal of International women`s studies , vol 15 , issu 1 , pp 135 _ 150

[Downloaded from jpsd.hormozgan.ac.ir on 2026-11-17]